



شماره حقوق

شماره چاپی: ۱۸۴۱-۳۰۷۷۸
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲-۳۰۷۷۸

دوفصلنامه

دوره ۴ - شماره ۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- ابعاد فقهی و جرم شناختی شرط بندی در فضای مجازی
ابوالفتح خالقی، سیمین فرخی نیا
- بررسی انتقادی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به آثار حقوقی جدایی
مجمع الجزایر جاگوس از موريس در سال ۱۹۶۵
موسی عاگفی قاضیانی، محمد عاگفی قاضیانی
- واکاوی حقوقی تطبیقی نهاد وثیقه در پرتو قوانین ایران و انگلیس
حسین رحیمی خجسته، مرضیه فتحی برناجی
- رویکردی تطبیقی بر آثار ادغام شرکت‌های تجاری
افشین مجاهد
- تبیین ابعاد عدالت و اخلاق از منظر اصول چهارچوبی حقوق بین الملل اسلامی
نوروز کارگری، سجاد طیبی
- جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی
عباس پورهاشمی، سحر چوبین
- پاندمی کووید ۱۹ در پرتو حقوق همبستگی
سیدبهراد میرفخرایی
- آثار و جهات تجدیدنظرخواهی (پژوهش‌خواهی) از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه
سیدجعفر هاشمی باجگانی، افشین مجاهد
- سرمایه گذاری خارجی در حقوق موضوعه ایران و موانع پیش روی آن
محمدرضا پورببور
- شرط ضمان مطلق مستأجر در نگهداری از عین مستاجر در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
فیروز احمدی، علی قائدرحمتی
- هشدار برای دانه درشت‌ها: مروری بر مهمترین نقش‌ها و رهاوردهای حقوق بین الملل
کیفری در نظم حقوقی بین المللی
محسن قدیر، موسی گرمی
- مطالعه تطبیقی آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی
محسن جعفری، فاطمه اسدی
- تعهد حسن‌نیت در قراردادهای حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، ابوالفضل سلیمان
- رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه
حسن رحیم زاده مبدی، افشین مجاهد
- آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه
مصطفی افضلی گروه
- مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، غلامرضا ایزدپناه
- نقد و ارزیابی ضررهای فردی، اجتماعی و قضائی جرم انگاری در نظام کیفری ایران
رستم علی اکبری، امیر فرج بخش



A Critical Review of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965

Moosa Akefi Ghaziani

Assistant Professor of Law, Payame Noor University, Alborz Center, Alborz, Iran

Mohammad Akefi Ghaziani

PhD student in International Law, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (corresponding author)

بررسی انتقادی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به آثار حقوقی جدایی مجمع الجزایر چاگوس از موریس در سال ۱۹۶۵

موسی عاکفی قاضیانی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور مرکز البرز، البرز، ایران

https://moosaghazi@yahoo.com
http://orcid.org/0000-0001-8884-0773

محمد عاکفی قاضیانی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mohammadghazi91@yahoo.co.in
http://orcid.org/0000-0002-5923-8684

Abstract

One of the jurisdictions of the International Court of Justice is to give advisory opinions on any legal question at the request of the General Assembly, the Security Council, or any other entity qualified under the provisions of Article 96 of the UN Charter. Since nearly eight decades of operation, this institution has given 27 advisory opinions; a petty number, bearing in mind the concurrent evolution and development of international law and institutions. These decisions, though not having a binding nature, their review and analysis can greatly help to clarify and enlighten the minds of the lawyers. The advisory opinion of the ICJ on the legal consequences of the separation of the Chagos archipelago from Mauritius in 1965 is the newest of these few advisory opinions, which by the way has provisions against the apparent interests of two permanent members of the Security Council (the UK and the US). This article through a descriptive-analytical method and in qualitative research nature, is trying to review and analyse this decision of the court. In the end, it has been concluded that this advisory opinion, though not binding, has shortcomings especially for not paying enough consideration to the consensual nature of the policies carried on by the UK in Mauritius, and the agreement concluded between representatives of the colony of Mauritius and the United Kingdom. However, such an advisory opinion per se indicates the fair mechanism governing the UN and its organs in observing the interests of the weak nations and developing countries.

Keywords: International Court of Justice, Mauritius, The Chagos archipelago, Decolonisation, Self-determination.

چکیده

یکی از صلاحیت‌های دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه نظرات مشورتی در پاسخ به مسائل حقوقی مجمع عمومی، شورای امنیت و یا دیگر نهادهای دارای صلاحیت به موجب مقررات ماده (۹۶) منشور ملل متحد می‌باشد. این نهاد در طول قریب به هشت دهه فعالیت خود، تنها ۲۷ نظر مشورتی ارائه داده است که با توجه به مصادف بودن با دوره تکامل و توسعه حقوق و نهادهای بین‌المللی، عدد بسیار ناچیزی است. این آراء گرچه ماهیت الزام‌آور ندارند، بررسی و تحلیل آن‌ها می‌تواند در شفافیت و تسویه افکار حقوقدانان مساعدت شایانی نماید. رأی مشورتی دیوان راجع به آثار حقوقی جدایی مجمع الجزایر چاگوس از موریس در سال ۱۹۶۵، آخرین مورد از همین معدود آرای مشورتی است که اتفاقاً محتوای آن برخلاف منافع میرهن دو عضو دائم شورای امنیت (یعنی پادشاهی متحده بریتانیا و ایالات متحده آمریکا) بوده است. این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای به دنبال مطالعه و تحلیل این رأی بوده است. در پایان نیز این نتیجه حاصل شده است که نظر مشورتی دیوان، علیرغم ماهیت غیرالزام‌آور خود، دارای کاستی‌هایی می‌باشد که از جمله آن، عدم توجه کافی این نهاد به ویژگی رضایی بودن سیاست‌های اتخاذی بریتانیا در موریس و توافق امضاء شده میان دو دولت است. به هر حال ارائه چنین نظر مشورتی فی‌نفسه نشانی دیگر از سازوکار عادلانه حاکم بر سازمان ملل متحد و ارکان آن در رعایت غبطه ملت‌های ضعیف و کشورهای در حال توسعه دارد.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، موریس، مجمع الجزایر چاگوس، استعمارزدایی، تعیین سرنوشت.

Received: 2021/02/07 - Review: 2021/07/06 - Accepted: 2021/09/08

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

مقدمه

مطابق ماده (۹۶) منشور ملل متحد، «مجمع عمومی یا شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند درباره هر مسئله حقوقی از دیوان درخواست نظر مشوتی نماید و سایر ارکان ملل متحد و نهادهای تخصصی که ممکن است چنین اجازه‌ای از مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحصیل کرده باشند نیز می‌توانند نظر مشورتی دادگاه را در مورد مسائل حقوقی مطرح در حدود فعالیت شان بخواهند.» از سال ۱۹۴۶ تاکنون، دیوان ۲۷ نظر مشورتی در موضوعات گوناگون صادر کرده است. آرای مشورتی دیوان الزام‌آور نیست، اما می‌تواند در توسعه حقوق بین‌الملل سهمی مؤثر ایفاء نماید. نظر مشورتی این نهاد راجع به آثار حقوقی جدایی مجمع الجزایر چاگوس از موریس، آخرین نظر مشورتی ارائه شده از سوی این نهاد تا سال ۲۰۱۹ است که بررسی و تحلیل آن، در توسعه دانش حقوقی بین‌المللی و همچنین آشنایی با شاکله آرای مشورتی دیوان مؤثر خواهد بود. این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی و از طریق جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای سعی در تحقق همین هدف دارد. لذا با ترجمه فرازهای اصلی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، ابتدا به پیشینه‌ای از قضیه، مبانی صلاحیت دیوان، محورهای استدلال دیوان، محورهای رأی و همچنین بند اجرائی^۱ آن پرداخته شده و در نهایت نیز تحلیلی راجع به این نظر مشورتی از منظر حقوق بین‌الملل ارائه شده است.

موریس کشوری جزیره‌ای در جنوب غربی اقیانوس هند است که در حدود نهمصد کیلومتری شرق ماداگاسکار واقع شده است. تا قبل از سال ۱۹۶۸، این کشور تحت قیمومت بریتانیا قرار داشت تا این که در سال ۱۹۶۸ با استناد به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد با موضوع اعطای استقلال به کشورهای تحت استعمار، اعلامیه استقلال صادر کرد و از بریتانیا مستقل شد. با وجود این، مجمع‌الجزایر چاگوس، به موجب یک موافقت‌نامه، کماکان تحت تصرف بریتانیا قرار داشته و بریتانیا حاضر به تحویل و تسلیم آن به دولت تازه استقلال یافته موریس نشد (مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ۱۳۹۶). در همین رابطه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۲ جون سال ۲۰۱۷ با استناد به ماده (۶۵) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و به موجب قطعنامه (۷۱/۲۹۲) از این نهاد تقاضای ارائه نظر

مشورتی کرد. مجمع عمومی به طور مشخص دو سؤال را مطرح می‌کند: آیا فرآیند استعمارزدائی^۲ واقعاً و به درستی در مورس واقع شده است و بریتانیا به تعهداتش بر مبنای اعلامیه‌های راجع به اعطای استقلال عمل نموده است؟ با توجه به این که دولت مورس نمی‌تواند اتباع خود را در مجمع الجزایر چاگوس مستقر نماید، آثار حقوقی جداسازی این مجمع الجزایر از کشور مورس چیست؟

نهایتاً نظر مشورتی دیوان در ۲۵ فوریه سال ۲۰۱۹ ارائه شد. در این رأی، دیوان ابتدا در پاراگراف (۱) الی (۲۴) به بیان پیشینه رسیدگی می‌پردازد. دیوان بیان می‌دارد که سوالاتی که به موجب آن، نظر مشورتی دیوان درخواست شده، در قطعنامه (۷۱/۲۹۲) مجمع عمومی ملل متحد در ۲۲ جون ۲۰۱۷، تنظیم شده است و از قرار ذیل است: الف - آیا روند استعمارزدائی مورس که در سال ۱۹۶۸ استقلال یافت، پس از جدائی مجمع الجزایر چاگوس و با توجه به حقوق بین‌الملل، از جمله تعهدات منعکس شده در قطعنامه‌های مجمع عمومی به شماره (۱۵۱۴) مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ و (۲۰۶۶) مورخ شانزدهم دسامبر ۱۹۶۵ و (۲۲۳۲) مورخ بیستم دسامبر ۱۹۶۶ و (۲۳۵۷) مورخ نوزدهم دسامبر ۱۹۶۷، به طور قانونی محقق شده است؟ ب - پیامدهای حقوقی تداوم حاکمیت بریتانیا و ایرلند شمالی بر مجمع الجزایر چاگوس، به موجب حقوق بین‌الملل، از جمله تعهدات ناشی از قطعنامه‌های فوق‌الذکر و همچنین با در نظر گرفتن ناتوانی مورس در اجرای برنامه اسکان دوباره اتباع خود در مجمع الجزایر چاگوس، به ویژه آن دسته از اتباعی که اصالت چاگوسی دارند، چه می‌باشد؟

۱ - پیشینه قضیه^۳

در بخش دوم رأی مشورتی، دیوان حوادثی که منجر به درخواست نظر مشورتی از این نهاد شده است را بیان می‌کند؛ در پاراگراف‌های (۲۵-۵۳) دیوان یادآور می‌شود که مجمع الجزایر چاگوس از تعداد جزیره و صخره‌های مرجانی تشکیل شده است. بزرگترین جزیره، دینگو گارسیا^۴ است که در جنوب شرقی مجمع الجزایر واقع شده است. بین سال‌های ۱۸۱۴ و ۱۹۶۵ این مجمع الجزایر تحت حاکمیت بریتانیا و متعلق به مورس بود.

۲- در سایت مرکز حقوقی امور بین‌المللی ریاست جمهوری و برخی دیگر از نوشتارها، از اصطلاح «Decolonization» در این قضیه به «ضد استعمار» تعبیر شده است که علی‌الظاهر ترجمه صحیح و زبینه‌ای نمی‌باشد. احتمالاً «استعمارزدایی» تعبیر صحیح‌تری است؛ از جمله بنگرید به: (ایزنار، ۱۳۷۲).

3- Background

4- The island of Diego Garcia

مسئله بعدی تصویب اعلامیه اعطای استقلال کشورها و مردم تحت استعمار (قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی) در دسامبر سال ۱۹۶۰ است که متعاقب آن، کمیته اختصاصی استعمارزدائی (معروف به کمیته ۲۴) برای نظارت بر اعمال قطعنامه (۱۵۱۴) تأسیس گردید. اما در فوریه ۱۹۶۴ در رابطه با استفاده از برخی جزایر تحت حاکمیت بریتانیا در اقیانوس هند از سوی ایالات متحده آمریکا، مذاکراتی میان ایالات متحده آمریکا و بریتانیا آغاز شد. ایالات متحده آمریکا همچنین در مورد ایجاد تأسیسات نظامی در جزیره دینگو گارسیا اظهار علاقه نمود. در بیست و نهم جون ۱۹۶۴، بریتانیا مذاکراتی را با نخست وزیر مستعمره موریس در خصوص جدائی مجمع الجزایر چاگوس از موریس آغاز کرد. این مذاکرات به موافقتنامه عمارت لنکستر^۵ میان نمایندگان مستعمره موریس و دولت بریتانیا در خصوص جدائی مجمع الجزایر چاگوس از موریس، در بیست و سوم سپتامبر ۱۹۶۵ انجامید. موافقتنامه‌ای که جدائی مجمع الجزایر چاگوس از موریس به جهت ایجاد تأسیسات نظامی در جزیره دینگو گارسیا را مقرر می نمود. البته از موافقتنامه این طور فهمیده می شد که مجمع الجزایر می تواند بعداً به موریس بازگردد (ICJ1164,2019,Paras.31-40).

در هشتم نوامبر ۱۹۶۵ و به موجب قانون سرزمین اقیانوس هند بریتانیا، ۱۹۶۵، بریتانیا مستعمره جدیدی با نام قلمرو اقیانوس هند بریتانیا^۶ که شامل مجمع الجزایر چاگوس و جدائی از موریس بود را ایجاد نمود. در دسامبر همان سال، مجمع عمومی قطعنامه (۲۰۶۶) در رابطه با مسئله موریس را تصویب نمود و نگرانی عمیق خود از جدائی برخی جزایر از سرزمین موریس برای ایجاد پایگاه نظامی را اعلام کرد. همچنین از طرف حاکم خواست که از هر اقدامی که سرزمین موریس را تجزیه و تمامیت سرزمینی آن را نقض کند خودداری نماید. در دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی قطعنامه (۲۲۳۲) را در مورد برخی سرزمین‌ها از جمله موریس تصویب کرد؛ این قطعنامه تصریح داشت که هر اقدامی جهت از بین بردن جزئی یا کلی وحدت ملی و تمامیت سرزمینی قلمروهای استعماری و تأسیس پایگاه‌های نظامی در آن‌ها متناقض با اهداف و اصول منشور ملل متحد و قطعنامه (۱۵۱۴) مجمع عمومی می باشد.

موافقتنامه میان ایالات متحده آمریکا و بریتانیا راجع به قابلیت استفاده از قلمرو اقیانوس هند بریتانیا برای مقاصد دفاعی در دسامبر ۱۹۶۶ منعقد شد. یادداشت توافقی نیز در همان تاریخ به امضاء درآمد. بر اساس این توافق، دولت بریتانیا تمامی تدابیر اجرائی لازم برای تضمین این که نیازهای دفاعی آن‌ها

5- Lancaster House agreement

6- British Indian Ocean Territory (BIOT)

برآورده خواهد شد را انجام خواهد داد و همچنین یادداشت توافق مقرر داشت که از جمله تدابیر اجرائی، اسکان مجدد تمامی سکنه جزایر می‌باشد.

در تاریخ پانزدهم، هفدهم و نوزدهم جون ۱۹۶۷ کمیته بیست و چهار، قطعنامه‌ای در مورد مورس تصویب نمود. در این قطعنامه هم کمیته از تجزیه مورس و سیشیل اظهار تأسف کرد و آن را در نقض تمامیت سرزمینی و تخلف از قطعنامه‌های (۲۰۶۶) و (۲۲۳۲) مجمع عمومی دانست و از قدرت‌های حاکم خواست که جزایر جدا شده از این سرزمین‌ها را به آن‌ها بازگردانند.

بین سال‌های ۱۹۶۷ الی ۱۹۷۳ تمام جمعیت مجمع الجزایر چاگوس از بازگشت منع شدند و یا مجبور به ترک مجمع الجزایر شدند. گسترده‌ترین اجبار به ترک مجمع الجزایر در جولای و سپتامبر سال ۱۹۷۱ اتفاق افتاد. در دوازدهم مارچ ۱۹۶۸ مورس استقلال پیدا کرد و در بیست و ششم اپریل ۱۹۶۸ به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد. به موجب بند (۱) اصل (۱۱۱) قانون اساسی ۱۹۶۸ مورس، که پیش از آن در چهارم مارچ ۱۹۶۸ از سوی بریتانیا اعلام شده بود؛ مورس کشوری است که «شامل سرزمین‌هایی می‌باشد که تا دوازدهم مارچ ۱۹۶۸، مستعمره مورس را تشکیل می‌دادند»؛ پر واضح است که این تعریف شامل مجمع الجزایر چاگوس نیست.

در جولای سال ۱۹۸۰ سازمان وحدت آفریقا^۷ قطعنامه (۹۹) را تصویب نمود که به موجب آن الحاق دوباره و بی قید و شرط دیتگو گارسیا به مورس را خواستار شد (AHG/Res.99). در سال ۱۹۸۰ نخست وزیر مورس در سی و پنجمین نشست مجمع عمومی ملل متحد خواستار انحلال قلمرو اقیانوس هند بریتانیا و بازگشت دوباره این سرزمین به مورس به عنوان بخشی از میراث طبیعی‌اش شد. در سال ۲۰۰۰ سازمان وحدت آفریقا تصمیمی اتخاذ نمود که در آن نگرانی سازمان را نسبت به این که مجمع الجزایر چاگوس توسط قدرت‌های استعماری و پیش از استقلال مورس و در نقض قطعنامه (۱۵۱۴) مجمع عمومی ملل متحد از مورس جدا شده اظهار می‌داشت.

در سی ام دسامبر سال ۲۰۱۶ مدت زمان پنجاه ساله موافقتنامه ۱۹۶۶ به پایان رسید و البته بر اساس مقررات خود موافقتنامه، برای مدت زمان بیست سال تمدید شد. در سی ام ژانویه سال ۲۰۱۷ مجمع اتحادیه آفریقا^۸ قطعنامه شماره (۱) اجلاس بیست و هشتم را در رابطه با مجمع الجزایر چاگوس صادر کرد که از جمله حمایت از مورس را با هدف تضمین انجام کامل استعمارزدائی جمهوری مورس،

7- The Organization of African Unity (1963-2002)

8- The African Union (2002)

مقرر می‌داشت. در بیست و سوم جون سال ۲۰۱۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه (۷۱/۲۹۲) درخواست نظر مشورتی از دیوان را صادر نمود.

۲- صلاحیت دیوان

مسائل مربوط به قرار صلاحیت دیوان در پاراگراف (۵۴-۹۱) رأی نگاشته شده است؛ صلاحیت دادگاه برای دادن نظر مشورتی به موجب بند (۱) ماده (۶۵) اساسنامه که مقرر می‌دارد: «دیوان می‌تواند در هر مسئله حقوقی به تقاضای هر سازمان یا موسسه‌ای که منشور ملل متحد به او چنین اجازه‌ای را می‌دهد یا بر طبق مقررات آن می‌تواند این اقدام را به عمل آورد نظر مشورتی دهد.» همچنین دیوان بیان نمود که مجمع عمومی به موجب بند (۱) ماده (۹۶) منشور صلاحیت درخواست نظر مشورتی را دارا می‌باشد. این بند مقرر می‌دارد که مجمع عمومی یا شورای امنیت می‌تواند درباره هر مسئله حقوقی از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی نماید. سپس دادگاه به شرط مقرر در این دو ماده که می‌گوید نظر مشورتی باید در مورد مسئله‌ای حقوقی باشد می‌پردازد. دادگاه بیان نموده که تقاضای مجمع عمومی برای ارائه نظر مشورتی راجع به بررسی یک وضعیت با توجه به حقوق بین‌الملل، یک مسئله حقوقی، می‌باشد. بدین ترتیب دیوان نتیجه گرفت که تقاضای نظر مشورتی بر اساس منشور محقق شده است و هر دو سوال ماهیت حقوقی دارند. بنابراین دیوان صلاحیت ارائه نظر مشورتی دارد. همچنین دیوان بیان کرد که هیچ دلیل متقاعد کننده‌ای برای عدم ارائه نظر مشورتی از سوی دیوان وجود ندارد، زیرا دیوان در ارائه نظر مشورتی مخیر است.

برخی اعضای دیوان در جریان ارائه این نظر مشورتی استدلال کردند که دلایل متقاعد کننده‌ای برای خودداری دیوان از ارائه نظر مشورتی وجود دارد. اولاً، یک نظر این بود که نظرات مشورتی برای تعیین تکلیف وضعیت‌های واقعی پیچیده و مورد اختلاف مناسب نیست؛ ثانیاً، استدلال دیگر این بود که پاسخ دیوان به مجمع عمومی، این نهاد را در انجام وظایف اش یاری نخواهد کرد؛ ثالثاً، استدلال دیگر این بود که بررسی دوباره مسئله‌ای که در محکمه داوری به موجب ضمیمه هفتم کنوانسیون سازمان ملل در رابطه با حقوق دریاها رسیدگی شده، نادرست است (داوری مربوط به منطقه حفاظت شده دریایی چاگوس، منظور این دسته از استدلال کنندگان بود (Mauritius v UK, 2015)). رابعاً، ادعا شد که سوالات مطرح شده مربوط به اختلاف دو جانبه‌ی دو دولت است که در حال داوری بوده و به رسیدگی آن توسط دیوان رضایت نداده‌اند.

۳- محورهای استدلال دیوان

در پاسخ به استدلال اول برای عدم ارائه نظر مشورتی از سوی دیوان، دیوان بیان نمود که گستره‌ای از اسناد از جمله پرونده‌های قطوری از جانب سازمان ملل به دیوان ارائه شده است. به علاوه به سولاتی از سوی شرکت کنندگان پاسخ داده شده است. اتحادیه آفریقا و همچنین بیست و دو دولت بیانیه‌های شفاهی ارائه نموده‌اند. با بررسی این بیانیه‌ها، در ادامه دیوان بیان داشت که در این وضعیت، اطلاعات کافی در ماهیت دعوا برای دیوان جهت ارائه نظر مشورتی وجود دارد. دیوان در پاسخ به استدلال دوم بیان نمود که دیوان نمی‌تواند مفید فائده بودن نظرش را برای ارگان سوال کننده تعیین نماید و این بر عهده خود ارگان سوال کننده است که فایده سوال را برای فعالیت خود احراز کند. دیوان یادآور شد که نظر مشورتی را به ارگانی که صلاحیت پرسش دارد ارائه می‌دهد و نه به دولت‌ها. همچنین دیوان بیان داشت که قاعده اعتبار امر مختومه^۹ مانع دیوان از ارائه نظر مشورتی نمی‌شود. به هر حال دیوان بیان کرد: مسائلی که در دیوان داوری در رابطه با اختلاف منطقه حفاظت شده دریایی مورد رسیدگی بود با سوال‌های پیش‌روی دیوان در این مورد یکسان نیست. بنابراین دیوان نمی‌تواند بر این اساس از ارائه نظر مشورتی استنکاف کند. در مورد استدلال چهارم هم دیوان بیان نمود که سولات پرسیده شده از دیوان مربوط به استعمارزدائی مورس است. مجمع عمومی نظر دیوان را برای حل و فصل اختلافات دو دولت جویا نشده است. بلکه مجمع عمومی مشورت و یاری دیوان را جهت انجام بهتر وظایف خود خواستار است. دیوان با ارائه نظر مشورتی خود در جریان داوری اختلافات دوجانبه وارد نمی‌شود. دیوان معتقد نیست که در چنین شرایطی ارائه نظر مشورتی دیوان به مثابه دور زدن اصل لزوم رضایت دولت‌ها در رسیدگی به اختلافات بین‌المللی است.

بدین ترتیب، دیوان نتیجه گرفت که دلایل متقاعد کننده‌ای برای ممانعت از ارائه نظر مشورتی به مجمع وجود ندارد. سپس در رأی دیوان برخی وقایع موضوعی در مورد وضعیت مجمع الجزایر چاگوس در پاراگراف (۹۲-۱۳۱) مطرح شده است. سه فراز اصلی این بخش از رأی دیوان عبارت است از: الف- مذاکرات میان بریتانیا و ایالات متحده آمریکا در مورد مجمع الجزایر چاگوس، ب- مذاکرات میان دولت بریتانیا و نمایندگان مستعمره مورس در مورد مجمع الجزایر چاگوس، و نهایتاً ج- وضعیت چاگوسی‌ها.

قانون سال ۱۹۶۴ تشکیل موریس که از سوی بریتانیا اعلام شده بود، یک مجلس قانون‌گذاری با چهل نماینده انتخابی و سخنگو، دبیرکل و تا پانزده نماینده انتخابی از سوی فرماندار را مقرر داشته است. همچنین یک شورای وزیران برای موریس پیش‌بینی شد که بین ده تا سیزده عضو داشت. در سال ۱۹۶۴ کمیته بیست و چهار، گزارش داد که قانون اساسی موریس اعمال قدرت از سوی نمایندگان مردم را اجازه نمی‌دهد و قدرت عملاً در دستان دولت بریتانیا قرار دارد. در جولای سال ۱۹۶۵، فرماندار موریس از سوی دفتر مستعمرات موظف شد که شورای وزیران موریس را نسبت به پیشنهاد جدایی مجمع الجزایر چاگوس آگاه سازد. در سی‌ام جولای همان سال، فرماندار دفتر مستعمرات را مطلع نمود که شورای وزیران با این پیشنهاد مخالف است و در عوض اجازه طولانی مدت مجمع الجزایر را ترجیح می‌دهد (البته دولت بریتانیا حاضر به پذیرش پیشنهاد اجاره نبود). در چهارمین کنفرانس قانون اساسی در لندن در سپتامبر سال ۱۹۶۵، وزیر امور خارجه بریتانیا و وزیر دفاع استنتاج نمودند که اگر موریس با جدایی موافقت نکند، مجبور به اعمال توصیه وزارت امور خارجه و وزارت دفاع، مبنی بر جدایی اجباری و پرداخت خسارت خواهند شد. در همان ماه، در دیداری بین وزیر کشور بریتانیا و نخست‌وزیر به همراه سه وزیر دیگر موریس در عمارت لنکستر توافقی مطرح شد؛ به موجب این توافق دفاعی بین بریتانیا و موریس، از جمله مقرر شد: الف- پرداخت خسارت سه میلیون پوندی بریتانیا به دولت موریس به جهت خسارت زمین داران و افراد دیگری که در چاگوس تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفتند. ب- تعهد بریتانیا به اعمال مساعی جمیله با ایالات متحده آمریکا، جهت اعطای امتیاز به موریس برای واردات شکر، گندم و دیگر کالاها. ج- تعهد دولت بریتانیا که بیشترین تلاش را برای اقناع ایالات متحده آمریکا جهت به کار بردن نیروی موروسی و کالاهای موروسی در ساخت و ساز در جزایر انجام دهد. د- همچنین توافق شد که اگر نیاز به تأسیسات جزایر برطرف شد، جزایر به موریس بازگردانده شود.

علاوه بر این، مطالباتی هم از سوی نخست‌وزیر موریس مطرح شد، که مورد پذیرش دولت بریتانیا قرار گرفت. از جمله این که دولت بریتانیا مساعی جمیله با ایالات متحده آمریکا به کار بندد، تا امکانات ذیل تا حدی که امکان استفاده وجود داشته باشد، در مجمع الجزایر چاگوس برای دولت موریس محفوظ ماند؛ امکانات دریانوردی و هواشناسی، حق ماهیگیری و استفاده از باند فرودگاه برای فرود اضطراری یا سوخت‌گیری هواپیماهای مسافری بدون الزام به تخلیه مسافران. همچنین مقرر شد که منافع معادن یا منابع نفتی که در جزایر یا نزدیک آن‌ها کشف شود، به موریس تعلق خواهد داشت.

به دنبال توافقات فوق، که به موافقتنامه عمارت لنکستر شهرت یافته است، در نوامبر سال ۱۹۶۵، فرماندار موریس، وزیر کشور بریتانیا را از پذیرش توافقنامه جدائی مجمع الجزایر چاگوس از سوی شورای وزیران موریس مطلع ساخت.

بسیاری از سکنه چاگوس، نوادگان و فرزندان کسانی هستند که دولت بریتانیا در اوایل قرن نوزدهم میلادی از ماداگاسکار و موزامبیک، برای کار در مزارع نارگیل به چاگوس آورد و پس از آن، از دهه سوم قرن نوزدهم میلادی به بعد شصت هزار نفر از مجموع آن‌ها را آزاد کرد (ICJ 1164, 2019, Para. 113). گزارش برخی دعاوی و اعتراضات نسبت به وضعیت حقوق بشری اهالی چاگوس و حق تابعیت و اسکان آن‌ها در این مجمع الجزایر مطرح شده است. از جمله دعاوی که از سوی آقای بانکولت^{۱۰} (رهبر گروه پناهندگان چاگوس) در دادگاه‌های بریتانیا علیه مصوبه دستورالعمل مهاجرت سال ۱۹۷۱ بریتانیا و سپس فرمان‌های تأسیس قلمرو اقیانوس هند بریتانیا ۲۰۰۴ و همچنین مهاجرت در قلمرو اقیانوس هند بریتانیا ۲۰۰۴ مطرح شد. اما این دعاوی نتیجه حقوقی قابل توجهی به دنبال نداشته و نهایتاً مجلس لردهای بریتانیا با اکثریت سه پنجم این دستورالعمل را نافذ دانسته و از موضع وزارت امور خارجه بریتانیا پشتیبانی نمود. استدلال این نهاد عالی قضائی این بود که گرچه طرح دعاوی نظارت قضایی در خصوص مصوبات دولتی منعی ندارد، اما موضوعات مربوط به امنیت ملی و روابط خارجی حائز عناصری است که اعمال نظارت قضائی دادگاه‌ها را منع می‌کند؛ بدین ترتیب مجلس لردها برخلاف آرای دادگاه عالی و تجدیدنظر، مصوبات وزارتی سال ۱۹۷۱ و ۲۰۰۴ راجع به عدم جواز سکونت غیر نظامیان در این جزایر را معتبر دانست (گرچی از نندریانی و شفیع سرشدت، ۱۳۹۲، ۲۹-۳۰). همچنین در این قسمت رأی به گزارش‌های کمیته حقوق بشر اشاره شده است که در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸ در گزارشات دوره‌ای خود، با استناد به مواد (۱۲) و (۴۰) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خواستار اعمال حق ایلوها^{۱۱} از سوی بریتانیا برای بازگشت و اسکان مجدد در چاگوس شده بود.^{۱۲}

10 - Louis Olivier Bancoult

11 - Ilois

12 - لازم به ذکر است، علاوه بر تسهیلات و تعهداتی که دولت بریتانیا به موجب موافقتنامه عمارت لنکستر متعهد شده بود، در سال ۱۹۸۲ نیز این دولت به دنبال برخی دعاوی علیه بریتانیا، به موجب توافقی با پرداخت کریمانه (Ex gratia) چهار میلیون پوند بلاعوض موافقت نمود؛ با این شرط که دیگر از سوی ایلوها یا نمایندگان شان بر این اساس ادعائی علیه بریتانیا مطرح نگردد. این مبلغ بین سال‌های ۱۹۸۳ - ۱۹۸۴ میان بیش از یکهزار و سیصد خانواده در این جزایر تقسیم شد (ICJ 1164, 2019, paras. 118-120).

در دسامبر سال ۲۰۱۲ بریتانیا اعلام کرد که سیاست‌های خود در قبال اسکان مجدد چاگوسی‌ها که به اجبار از مجمع الجزایر خارج شده‌اند و یا از بازگشت شان به چاگوس ممانعت شده است را مورد بازنگری قرار خواهد داد. مطالعات اجرائی بین سال‌های ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۵ انجام گرفت.^{۱۳} در نتیجه این تحقیقات اسکان مجدد امکان‌پذیر اعلام شد، اما چالش‌های قابل اعتنائی هم در این مسیر ادعا شد. از جمله این که هزینه این اقدام فزاینده و گزاف است و پرداخت مالیات مضاعف برای بریتانیایی‌ها را به بار خواهد آورد. بنابراین در شانزدهم نوامبر سال ۲۰۱۶ بریتانیا تصمیم گرفت که اسکان مجدد را به خاطر مشکلات اجرائی و دفاعی و منافع امنیتی و هزینه‌ای که برای مالیات دهندگان بریتانیایی ایجاد می‌کرد نپذیرد. تا به امروز نیز، چاگوسی‌ها در کشورهای مختلفی از جمله بریتانیا، مورس و سیشیل پراکنده هستند و به موجب قوانین و تصمیمات قضائی بریتانیا، مجاز به بازگشت به مجمع الجزایر چاگوس نیستند.

۴- محوره‌های رأی دیوان

در پاراگراف (۱۳۲-۱۸۲) این رأی، به سوالات مجمع عمومی در این مورد پاسخ داده شده است؛

۴-۱- رأی دیوان نسبت به صلاحیت

صلاحیت دادگاه برای دادن نظر مشورتی به موجب بند (۱) ماده (۶۵) اساسنامه است که مقرر می‌دارد: «دیوان می‌تواند در هر مسئله حقوقی به تقاضای هر سازمان یا موسسه‌ای که منشور ملل متحد به او چنین اجازه‌ای را می‌دهد، یا بر طبق مقررات آن می‌تواند این اقدام را به عمل آورد رأی مشورتی ارائه - دهد.» همچنین دیوان بیان نمود که مجمع عمومی به موجب بند (۱) ماده (۹۶) منشور صلاحیت درخواست نظر مشورتی را دارا می‌باشد. این بند مقرر می‌دارد که مجمع عمومی یا شورای امنیت می‌تواند درباره هر مسئله حقوقی از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی نماید. سپس دادگاه به شرط مقرر در این دو ماده که می‌گوید نظر مشورتی باید در مورد مسئله‌ای حقوقی باشد می‌پردازد. دادگاه بیان نمود که تقاضای مجمع عمومی برای نظر مشورتی برای بررسی یک وضعیت با توجه به حقوق بین‌الملل، یک مسئله حقوقی می‌باشد. بدین ترتیب دیوان نتیجه گرفت که تقاضای نظر

۱۳- این در حالی است که دولت تازه استقلال یافته مورس در سال ۱۹۷۲، به موجب توافقی با دولت کریمه بریتانیا پذیرفته بود که در مقابل دریافت ششصد و پنجاه هزار پوند استرلینگ، تمامی تعهدات بریتانیا برای اسکان مجدد سکنه رانده شده از مجمع الجزایر چاگوس را به طور کامل بر عهده گیرد و این دولت در سال ۱۹۷۳ به دریافت این مبلغ نیز اذعان داشته

مشورتی بر اساس منشور محقق شده است و هر دو سوال ماهیت حقوقی دارند و بنابراین دیوان صلاحیت ارائه نظر مشورتی دارد. همچنین دیوان بیان کرد که هیچ دلیل متقاعد کننده‌ای برای عدم ارائه نظر مشورتی از سوی دیوان وجود ندارد، زیرا دیوان در ارائه نظر مشورتی اختیار دارد.

۴-۲- رأی دیوان در ماهیت قضیه

در پاسخ به سوال اول، دیوان بیان نمود که برای پاسخ به این سوال باید ابتدا معلوم شود که بازه زمانی مربوط برای تشخیص قواعد قابل اعمال حقوق بین الملل در مورد این پرونده کدام است؟ سپس باید حقوق بین الملل قابل اعمال را مشخص نمود. همچنین از آن جا که مجمع عمومی به تعدادی از قطعنامه‌های خود استناد کرده است، دیوان باید عملکرد مجمع عمومی در روند استعمارزدائی را مورد بررسی قرار دهد تا تعهدات منعکس شده در این قطعنامه‌ها روشن گردد.

در پاسخ به مسئله اول دیوان بیان داشت که اگرچه بازه زمانی قطعی برای اعمال قواعد حقوقی مرتبط با این قضیه بین سال‌های ۱۹۶۵ الی ۱۹۶۸ می‌باشد، اما این دیوان را از اعمال قواعد عرفی مربوطه با توجه به تکامل قواعد حقوقی تعیین سرنوشت پس از تصویب منشور ملل متحد و قطعنامه (۱۵۱۴) دسامبر ۱۹۶۰ منع نمی‌کند. همچنین به رویه دولت‌ها و اعتقاد حقوقی^{۱۴} که در طول زمان تلفیق و تعیین شده است، یا همچنین اسناد حقوقی پس از این تاریخ که ناظر به تفسیر یا تأیید اصول و قواعد پیش از خود است نیز می‌تواند رجوع کند. در مورد مسئله دوم هم دیوان بیان نمود که اصل حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت به عنوان قواعد عرفی و از اهداف منشور محسوب می‌گردد و از جمله به اعلامیه راجع به سرزمین‌های غیر خودمختار ذیل فصل (۱۱) منشور ملل متحد و قطعنامه (۱۵۱۴) دسامبر ۱۹۶۰ اشاره نمود. در پاسخ به این مسئله نیز دیوان به نقش حائز اهمیت مجمع عمومی در این روند اشاره نمود و همچنین به قطعنامه‌های (۱۵۱۴)، (۲۰۶۶)، (۲۲۳۲)، (۲۳۵۷) و (۳۳۴) اشاره نمود.

در نهایت در پاسخ به سوال اول دیوان به این نتیجه رسید که متعاقب جدائی غیرقانونی چاگوس از موریس و الحاق آن به مستعمره‌ای جدید (قلمرو اقیانوس هند بریتانیا)، روند استعمارزدائی موریس به طور کامل، به هنگام استقلال موریس در سال ۱۹۶۸ تحقق نیافته بود. در پاسخ به سوال دوم؛ «آثار حقوقی تداوم حاکمیت بریتانیا و ایرلند شمالی بر مجمع الجزایر چاگوس، به موجب حقوق بین الملل، از جمله تعهدات ناشی از قطعنامه‌های فوق الذکر و همچنین با در نظر گرفتن ناتوانی موریس در اجرای

برنامه اسکان دوباره اتباع خود در مجمع الجزایر چاگوس، به ویژه آن دسته از اتباعی که خاستگاه شان مجمع الجزایر چاگوس بوده، چه می‌باشد؟»

از آن جا که استعمارزدائی موریس با روشی در راستای حق تعیین سرنوشت مردم تحقق نیافته است؛ دیوان اعتقاد دارد که ادامه حاکمیت بریتانیا بر مجمع الجزایر چاگوس عمل متخلفانه بین‌المللی است که مسئولیت آن دولت را به دنبال دارد. این عمل متخلفانه با ماهیت مستمر است که ناشی از جدائی چاگوس از موریس می‌باشد. تعیین کیفیات لازم برای تضمین تحقق استعمارزدائی کامل موریس در اختیار مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعمال خود در حوزه استعمارزدائی است. همان طور که دادگاه پیش از این بیان نموده است: «تعیین این که چه اقداماتی باید از سوی مجمع اتخاذ شود، پس از این که نظر مشورتی دیوان را اخذ نماید، یا این که این نظر مشورتی چه آثاری در رابطه با آن اقدامات خواهد داشت.» از آن جا که رعایت حق تعیین سرنوشت تعهد نسبت به جامعه بین‌المللی^{۱۵} می‌باشد، تمامی دولت‌ها در اعمال این تکلیف منفعت حقوقی دارند. دادگاه معتقد است، علیرغم این که بیان کیفیات لازم برای تضمین استعمارزدائی کامل موریس با مجمع عمومی است، تمامی دولت‌های عضو باید با سازمان ملل متحد برای تحقق این کیفیات همکاری نمایند. در خصوص اسکان مجدد اتباع موریس از جمله آن‌هایی که اصالت چاگوسی دارند، در مجمع الجزایر چاگوس نیز، این یک مسئله مربوط به حمایت از حقوق بشر این افراد است که باید از سوی مجمع عمومی در خلال استعمارزدائی کامل موریس مورد رسیدگی قرار گیرد. نهایتاً، در پاسخ به سوال دوم مجمع، در مورد آثار حقوق بین‌المللی که از استمرار حاکمیت بریتانیا بر مجمع الجزایر به بار می‌آید، دیوان نتیجه می‌گیرد که بریتانیا موظف است هر چه زودتر حاکمیت خود بر این مجمع الجزایر را خاتمه بخشد و تمامی دولت‌های عضو نیز باید با سازمان ملل متحد در تحقق کامل استعمارزدائی موریس همکاری نمایند.

۴-۳- بند اجرایی رأی

با توجه به استدلال‌ات فوق، دیوان: الف- به اتفاق آراء، رأی به صلاحیت خود برای ارائه نظر مشورتی می‌دهد. ب- با دوازده رأی مقابل دو رأی تصمیم می‌گیرد که درخواست ارائه نظر مشورتی را

قبول نماید.^{۱۶} پ- با سیزده رأی مقابل یک رأی؛ دادگاه قائل است که با توجه به حقوق بین‌الملل، پس از جدایی مجمع الجزایر چاگوس و استقلال موریس در سال ۱۹۶۸، روند استعمارزدائی این کشور از حیث قانونی به طور کامل محقق نشده است.^{۱۷} ج- با سیزده رأی، مقابل یک رأی؛ نظر دادگاه این است که بریتانیا مکلف است هرچه زودتر حاکمیت خود بر مجمع الجزایر چاگوس را خاتمه بخشد.^{۱۸} د- با سیزده رأی مقابل یک رأی؛ نظر دیوان این است که تمامی دولت‌های عضو تکلیف به همکاری با سازمان ملل برای تحقق کامل استعمارزدائی موریس دارند.^{۱۹}

ه- تحلیل رأی مشورتی دیوان

لازم به ذکر است که در جریان احراز صلاحیت دیوان برای صدور نظر مشورتی و متعاقب آن ارائه نظر مشورتی دیوان، دولت بریتانیا هیچ قاضی در دیوان بین‌المللی دادگستری نداشته است. البته قضاتی از دیگر کشورهای مشترک المنافع^{۲۰} در دیوان عضویت داشته‌اند که با این حال علی‌الظاهر رأی علیه منافع بریتانیا صادر کرده‌اند و یا این که در جریان رسیدگی به پرونده شرکت نداشته‌اند^{۲۱} (ICJ, 2020)؛ لذا شائبه اعمال نفوذ از سوی دولت بریتانیا یا دولت‌های مشترک المنافع در جریان این رسیدگی بسیار نامحتمل است. وانگهی، باید توجه داشت که بنیان اصلی نظام حقوق بین‌الملل در دوران استعمارزدائی و پس از آن، صلح و امنیت جهانی می‌باشد؛ ایجاد پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در جزیره دینگو گارسیا در مجمع الجزایر چاگوس در دوران جنگ سرد و در جریان استعمارزدائی دولت‌های کوچک و نوپای مناطق مختلف دنیا، اگرچه به ظاهر، نقض الزامات با ماهیت حقوق نرم بین‌المللی، از جمله

16- IN FAVOUR: President Yusuf; Vice-President Xue; Judges Abraham, Bennouna, Cañado Trindade, Gaja, Sebutinde, Bhandari, Robinson, Gevorgian, Salam, Iwasawa; AGAINST: Judges Tomka, Donoghue.

17- IN FAVOUR: President Yusuf; Vice-President Xue; Judges Tomka, Abraham, Bennouna, Cañado Trindade, Gaja, Sebutinde, Bhandari, Robinson, Gevorgian, Salam, Iwasawa; AGAINST: Judge Donoghue.

18- IN FAVOUR: President Yusuf; Vice-President Xue; Judges Tomka, Abraham, Bennouna, Cañado Trindade, Gaja, Sebutinde, Bhandari, Robinson, Gevorgian, Salam, Iwasawa; AGAINST: Judge Donoghue.

19- IN FAVOUR: President Yusuf; Vice-President Xue; Judges Tomka, Abraham, Bennouna, Cañado Trindade, Gaja, Sebutinde, Bhandari, Robinson, Gevorgian, Salam, Iwasawa; AGAINST: Judge Donoghue.

20- The Commonwealth of Nations

۲۱- برای مثال قاضی جیمز کرافورد از استرالیا که علیرغم عضویت در دیوان، در جریان رسیدگی در این پرونده شرکت نداشتند.

قطعنامه‌های (۱۵۱۴)، (۱۹۶۶) و (۲۰۶۶) مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشد، اما باید اوضاع و احوال معاصر جنگ سرد و انعقاد توافقنامه بریتانیا و موریس را نیز مدنظر قرار داد. در حقیقت به موجب قاعده اضطرار^{۲۲}، اقدامات این دو دولت برای ایجاد پایگاه نظامی به منظور اهداف دفاعی و تقویت اهداف اصلی منشور ملل متحد یعنی صلح و امنیت جهانی بوده و همچنین برای مقابله با نفوذ بلوک شرق در آن برهه زمانی و برقراری امنیت دریایی در این قلمرو ضرورت داشته است.^{۲۳} اهمیت حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در اقیانوس هند، علاوه بر مخاصماتی که پیش از امضای موافقتنامه عمارت لنکستر و ساخت تسهیلات نظامی در این مجمع الجزایر در منطقه جریان داشت، در خلال جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، جنگ عراق (۲۰۰۳) و همچنین ایجاد امنیت دریایی در منطقه خلیج عدن و باب المندب نیز بیش از پیش ظهور و بروز داشته است (Zianet, 2018). وانگهی این تأسیسات نظامی همچنین به عنوان نقطه فرود اضطراری برای مأموریت‌های ناسا در منطقه اقیانوس هند شناخته می‌شود و از این حیث برای حفظ حق حیات و سلامت فضانوردان هم از اهمیت زیاد و مشترک بشری برخوردار است (Porter, 2019). اهمیت حضور نظامی در این منطقه به میزانی است که در سال‌های اخیر، دیگر دولت‌ها نیز سعی در ایجاد پایگاه نظامی دریایی و هوایی در این نواحی داشته‌اند که برای مثال می‌توان به پایگاه نظامی هند در مجمع الجزایر آگالگا^{۲۴} در موریس و به موجب موافقتنامه سال ۲۰۱۵ اشاره داشت (Theinterpreter, 2021). انعقاد این موافقتنامه با هند نیز نشان از خط و مشی و تمایل دولت موریس نسبت به تداوم و استمرار حضور نیروهای نظامی بیگانه در خاک این کشور دارد.

علاوه بر این بسیاری از سکنه چاگوس، نسب شان به ماداگاسکار یا موزامبیک باز می‌گردد و دولت بریتانیا که خود این جمعیت را در اوایل قرن نوزدهم میلادی جهت کار، فعالیت و بهره‌مندی از مزایای آن به موریس آورده است، آن‌ها را آزاد کرده و سپس ترک چاگوس را از آن‌ها خواستار شده است. بنابراین بسیاری از سکنه مذکور، پیشینه و تعلق فرهنگی طولانی نسبت به این سرزمین ندارند. علاوه بر این، دولت بریتانیا در موارد متعددی به پرداخت مبالغی برای تسهیل این جابجایی و جوانب آن اقدام داشته است. مبالغ هنگفتی که با احتساب شاخص برابری قدرت خرید^{۲۵} برای مردم و دولت موریس

۲۲- الضرورات تیبح المحظورات.

۲۳- در حقوق روم ضرب المثل «ضرورات قانون نمی‌شناسد» معروف است؛ «Necessitas Non Habet Legem»

24- Agalega Islands

25- Purchasing power parity (ppp)

ارزش مضاعفی به همراه داشته است. همان طور که می‌دانیم دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل در اعطای عنوان شهروندی به افراد یا گروهی از انسان‌ها اختیار دارند (انصاریان و طیبی، ۱۳۹۶، ۱۷-۱۹)؛ دولت موریس پس از استقلال و طی موافقتنامه‌ای با دولت بریتانیا، در ازای دریافت مبالغ هنگفتی تعهد به اسکان جمعیت انسانی مجمع الجزایر چاگوس نموده است؛ ولیکن، علیرغم پرداخت تمام و کمال این مبلغ، کماکان برخی از افرادی که پیش از این در این مجمع الجزایر سکونت داشته‌اند، مشکلات اقامتی داشته و در کشورهای مختلف (از جمله پادشاهی متحده) پراکنده هستند! حال آن که اختیار دولت‌ها به اعطای شهروندی به افراد و گروه‌های انسانی، البته مقتضائی فراتر از صرف اعطای اقامت و حق سکونت به این افراد دارد. علی‌الظاهر دولت موریس این تعهد خود را به موجب موافقتنامه سال ۱۹۷۲ و دیگر اسناد حقوق بشری نقض کرده است. وانگهی امضای موافقتنامه سال ۱۹۷۲ میان این دو کشور، می‌تواند اماره‌ای دال بر تنفیذ وضعیت حقوقی مجمع الجزایر چاگوس از سوی دولت مستقل و آزاد موریس نیز محسوب گردد. با کمال تعجب در پاراگراف ۱۳۱ این رأی، همین مسئله پراکندگی این جمعیت انسانی در کشورهای مختلف، به عنوان ادعایی علیه بریتانیا مطرح شده است، که حکایت از شدت مظلومیت بریتانیا در این رأی و البته قضاوت ملوث به جانب‌داری در این نهاد بین‌المللی دارد.

نتیجه

هر چند احساس می‌شود که در این رأی مشورتی، دیوان بین‌المللی دادگستری، آن طور که باید جانب حق را رعایت نکرده است؛ باید توجه داشت که آرای مشورتی دیوان ماهیت الزام‌آور حقوقی ندارند و همین وصف شاید از علل اصلی صدور چنین رأیی بوده است. به عبارت دیگر، اگر پرونده ماهیت ترافعی می‌داشت، به احتمال زیاد وکلای پادشاهی متحده، مستندات و استدلال‌های قوی‌تری از جمله در خصوص موافقتنامه اخیر موریس با هند (با ماهیت نظامی مشابه) و همچنین اهمیت وجود تأسیسات نظامی در مجمع الجزایر برای اهداف فضانوردی و اهمیت حق حیات فضانوردان (که البته انتظار می‌رود مصادیق کاربری این تأسیسات بدین منظور هم در عصر جدید افزایش بیشتری داشته باشد) ارائه می‌دادند. وانگهی اهمیت اصل قدوسیت معاهدات^{۲۶} (به عنوان یک اصل بنیادین) هم در این رأی مورد تأکید قرار نگرفته است و این که بتوان وضعیت استعماری موریس در زمان انعقاد موافقتنامه عمارت لنکستر را استثنائی بر این اصل دانست نیز مورد بررسی و استدلال دیوان نبوده است. شاید قضاوت دیوان نباید از توجه دور می‌داشتند که تغییرات اعمال شده در وضعیت حاکمیتی مجمع الجزایر

چاگوس، به موجب موافقتنامه‌ای دو جانبه میان دولت موریس و دولت بریتانیا محقق شده است و نه صرفاً سیاست‌گذاری یک‌سویه و تحمیلی یک دولت. با این حال تاکنون دول بریتانیا و ایالات متحده آمریکا لزوماً عدم تمایل به همکاری و پیشبرد مسائل راجع به این مجمع الجزایر را صراحتاً اعلام نکرده‌اند. وانگهی، آرای مشورتی دیوان خاصیت الزام‌آور ندارد و از این رو به واسطه این نظر مشورتی کماکان تعهد حقوقی لازم‌الاجراء و با ماهیت سخت برای دولت بریتانیا یا ایالات متحده آمریکا شکل نگرفته است؛ لذا در این خصوص کماکان بن بست حقوقی بین‌المللی وجود ندارد. علی‌ای حال صدور آرای قضائی و مشورتی از این دست، علیه بریتانیا یا هر یک از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد حاکی از عملکرد آزادانه سازوکار فعلی ملل متحد و نهادهای مرتبط با این سازمان در چهارچوب پویای حقوقی مشور ملل متحد و خط بطلان دیگری بر ادعای واهی مدعیان ناعادلانه بودن چیدمان حقوقی حاکم بر این سازمان و نظم بین‌المللی معاصر است.

منابع

فارسی

- انصاریان، مجتبی و طیبی، سبحان، ۱۳۹۶، **تأسیس و جانشینی دولت‌ها**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- ایزنار، هیلدبر، ۱۳۷۲، **جغرافیای استعمارزدایی**، ترجمه محمود علوی، چاپ اول، مشهد، انتشارات نیکا.
- گرجی ازندریانی، علی اکبر و شفیعی سردشت، جعفر، ۱۳۹۲، اعمال نظارت ناپذیر قضایی دولت، **فصلنامه**

دانش حقوق عمومی، شماره ۵.

- مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ۱۳۹۶، تقاضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیوان بین‌المللی دادگستری برای نظر مشورتی در خصوص آثار حقوقی جدایی مجمع الجزایر چاگوس از کشور موریس در سال ۱۹۶۵، قابل دسترس در:

<http://cila.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Event&ID=821a263d-45bf-4ca9-b725-152acf828c14&LayoutID=df6d8a09-84a9-4d2b-bdd9-5a2e86bd82af&CategoryID=c86ddb78-990e-467a-9a4b-1b4cfca500f3&SearchKey>

لاتین

- Chagos Marine Protected Area Arbitration (Mauritius v. United Kingdom), PCA, 2011-3, 2015.
- ICJ, Members of the Court, 2020, available at: https://web.archive.org/web/20180826060857if_/http://www.icj-cij.org/en/court
- Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019, Available at:

<https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/169/169-20190225-ADV-01-00-EN.pdf>

- Resolution on The Diego Garcia, Organization of African Unity, AHG/Res. 99 (XVII), available at:

https://archives.au.int/bitstream/handle/123456789/830/AHG%20Res%2099%20%28XVII%29%20_E.pdf?sequence=1&isAllowed=y

- Porter, Tom, See inside Diego Garcia, a secretive US Navy base on British land at the center of a bitter tug-of-war in the Indian Ocean, Business Insider, 2019, available at: <https://www.businessinsider.nl/photos-diego-garcia-air-base-indian-ocean-2019-8?international=true&r=US>

- The interpreter, Agalega: A glimpse of India's remote island military base, (2021), available at: <https://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/agalega-glimpse-india-s-remote-island-military-base>

- Zianet, Important Dates of the Provisional People's Democratic Republic of Diego Garcia, (2018), available at: <http://www.zianet.com/tedmorris/dg/realhistory.html>

legal Civilization

Biannual

No.8/Spring & Summer 2021

Jurisprudential and Criminological Aspects of Betting in Cyberspace

Abolfath KHaleghi, Simin Farrokhi Nia

A Critical Review of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965

Moosa Akefi Ghaziani, Mohammad Akefi Ghaziani

Comparative Legal Analysis of the Collateral in the Light of the Anglo-Iranian Laws

Hossain Rahimi Khojasteh, Marzieyh Fathi Bornaji

Comparative Approach to the Effects of Mergers on Commercial Companies

Afshin Mojahed

Explaining the Dimensions of Justice and Ethics from the Perspective of the Principles of the Framework of Islamic International Law

Nourooz Kargari, Sajad Tayebi

The Place of Sexual Crimes in International Criminal Courts

Abbas Por Hashemi, Sahar CHoobin

Covid-19 Pandemic in the Light of Solidarity Rights

Sayyed Behrad Mirfakhraei

Effects and Aspects of Appeal (Research) from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and French

Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Afshin Mojahed

Foreign Investment in Iranian Subject law and the Obstacles Facing it

Mohammad Reza Burbur

the Condition of the Absolute Guarantee of the Tenant in Keeping the Same Tenant in Imami Jurisprudence and Civil law of Iran

Firooz Ahmadi, Ali Qaed Rahmati

A Warning for the Big Fish: A Review of the Most Significant Roles and Achievements of International Criminal Law in International Legal Order

Mohsen Ghadir, Mousa Karami

A Comparative Study of the Crime of Embezzlement in Iranian and British Law with a Look at International Documents

Mohsen Jafari, Fateme Asadi

Religious Pluralism in Iranian Criminal Code

Abbas Karimi, Abalfazl Salimian

A Comparative Approach to the Scheme of Arrangement in Iranian, British and French Law

Hasan Rahim Zade Meybodi, Afshin Mojahed

Effects of Wife Alimony in Iranian and French Law

Mostafa Afzali Goroh

A Comparative Study of Non-Influence with Relative Invalidity in Iranian and French Law

Abbas Karimi, Gholam Reza Izadpanah

Critique and Evaluation of Personal, Social and Judicial Harms of Criminalization in the Iranian Penal System

Rostam Ali Akbari, Amir Faraj Bakhsh